اعتماد

دوشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۵
۱۵جمادی‌الاول ۱۴۳۸، ۱۳ فوریه ۲۰۱۷
سال چهاردهم، شماره ۳۷۴۵
۱۶ صفحه، ۱۰۰۰ تومان

ETEMAD
Mon, 13 Feb 2017
vol.14, No. 3745
16 Pages, 10000 Rials

رییس جمهور:

بدون اخلاق و قواعد بازی نمی‌توان پای صندوق حاضر شد

۲

گفت‌وگو با مصطفی معین

منع فعالیت خصوصی پزشکان، سیاست‌زده است

۸

پیش‌بینی غلامحسین حسنتاش از تحولات بازار نفت در دوران ترامپ

عرضه نفت افزایش می‌یابد

۹

وزیر ارشاد در برابر انتقاد از کنسرت‌ها واکنش نشان داد

خود اجتهادی برای موسیقی ممنوع

گروه فرهنگ و هنر

شاید سه ماه وقت لازم بود تا سیدرضا صالحی امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به آن بخش از صحبت‌های علی جنتی، وزیر پیشین ارشاد برسد که در مورد موسیقی گفته بود «برخی فکر می‌کنند کار وزارت ارشاد فقط برگزاری و صدور مجوز برای کنسرت است و کار دیگری ندارد» و همان حاشیه‌هایی را شخصا تجربه کند که علی جنتی پیش از این زمانی که سکان‌دار وزارت ارشاد بود با آنها مواجه می‌شد. این اتفاقی بود که در یکی دو روز گذشته افتاد و صالحی امیری که این روزها ترجیح می‌دهد از هر موقعیتی برای جدی گرفتن بیشتر حوزه فرهنگ و هنر و به خصوص موسیقی استفاده کند بعد از تازه‌ترین اظهاراتش یکی دیگر از این حاشیه‌ها را تجربه کرد. اما در ادامه کار تا جایی بالا گرفت که صالحی امیری مجبور شد درباره صحبت‌هایی که در مورد موسیقی و خطوط قرمز کرده بود توضیح بیشتری هم بدهد. بخش عمده‌ای از صحبت‌های وزیر ارشاد در یکی دو هفته گذشته به افزایش بودجه‌های سینما، تئاتر و موسیقی در سال آینده اختصاص داشت. صالحی امیری بلافاصله بعد از حضور در اختتامیه سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر به مازندران رفت تا به عنوان یکی از سخنرانان مراسم راهپیمایی بیست‌ودوم بهمن در ساری حاضر شود.

صفحه ۱۲ را بخوانید

وزیر صنعت در ماه‌های پایانی دولت اعلام کرد

صندلی‌ام را به جوان‌ها می‌دهم

۴

صبا طاهریان /اعتماد

حسین مرعشی:

نگرانیم روحانی رقیبی ندارد

۶

نگاه روز

علی دینی ترکمانی
استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

علل شکاف در عملکرد برنامه‌های توسعه

مقایسه عملکرد شاخص‌های کلان اقتصادی با اهداف کمی تعیین شده در برنامه‌های توسعه، معمولا دال بر وجود شکافی قابل توجه میان برنامه و عملکرد است. برای نمونه این شکاف در مورد سند چشم‌انداز بیست ساله به عنوان مهم‌ترین سند بالادستی توسعه‌ای کشور، حداقل ۵۰ درصد است. این شکاف زیاد یادآور سخن یان تین برگن، اقتصاددان نوبلیست و بنیانگذار الگوسازی کلان اقتصادی، است: «برنامه‌ریزی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مشتی مرکب روی کاغذ است.»

این شکاف چند علت مهم دارد. اول، «تو در تویی نهادی» است که به مثابه وجه مشخصه مهم نظام اقتصاد سیاسی ایران، موجب افزایش میزان ناهماهنگی سیاستی در عرصه عمل و در نتیجه شکست برنامه می‌شود. برنامه، طبق تعریف، یعنی تلاش هماهنگ اجزای تشکیل‌دهنده یک نظام یا سیستم در جهت نیل به اهدافی مشخص. ضرورت موفقیت در نیل به اهداف، وجود حداقلی از هماهنگی میان اجزای سیستم است. نبود هماهنگی و افزایش ناهماهنگی، به تعبیر فیزیکدانان، به معنای بی‌نظمی سیستم و بی‌نظمی هم به معنای بالا بودن میزان آنتروپی سیستم است که پیامد نهایی آن ناتوانی سیستم در نیل به اهداف و پایدار کردن فرآیند توسعه است.

علت دوم، «ظرفیت جذب» ضعیف است. چنانچه در جاهای دیگر به کرات ذکر کرده‌ام، ظرفیت جذب به معنای توانایی نظام اقتصادی در پیشبرد موفق فرآیند انباشت سرمایه و همین‌طور توانایی آن در انتقال دانش علمی و فنی رایج در مرزهای جهانی است. این ظرفیت در اقتصاد ایران به‌شدت ضعیف است. در نتیجه، توانایی نظام در تبدیل منابع تولید در دسترس، از درآمدهای ارزی قابل توجه گرفته تا منابع مالی تجهیز شده بانکی و از نیروی کار مازاد گرفته تا منابع معدنی فراوان به ظرفیت‌های تولیدی قوی در بخش‌های صنعت و کشاورزی و خدمات بسیار ضعیف است.

ضعف در ظرفیت جذب به معنای ضعف در سرمایه انسانی و مهارت‌های مدیریتی و سازمانی و تعاملات منطقه‌ای و جهانی است. این ضعف همان‌طور که خود را در انباشت سرمایه ضعیف و انتقال دانش فنی جهانی به خوبی نشان می‌دهد، در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها نیز بازتاب می‌یابد چرا که برنامه‌ریزی خود مهارتی مدیریتی و سازمانی است. سیاست‌هایی چون نادیده گرفتن مقیاس تولید بهینه، عدم رعایت اصول آمایش سرزمین و تناسب میان رشته فعالیت‌ها با شرایط اقلیمی و جمعیتی مناطق مختلف کشور، بی‌توجهی به محدودیت‌ها و برخورد رویایی با برنامه، از جمله مصادیق موید نبود مهارت‌های مدیریتی و سازمانی در فرآیند برنامه‌ریزی و سیاستگذاری توسعه‌ای است. در این میان سیاست‌هایی چون بنگاه‌های زود بازده نیز در مقاطعی پیش می‌آید که مشکل مهارتی و سازمانی را بیشتر تشدید می‌کند.

چهارم، تنش‌های سیاسی است که ذیل مولفه ارتباطات منطقه‌ای و جهانی ظرفیت جذب قرار دارد. تنش‌ها مانع جدی دیگر پیش روی پیشبرد موفق انباشت سرمایه و انتقال موفق دانش فنی پیشروی جهانی است. این تنش‌ها به طور مستقیم از طریق اثرگذاری بر عملکرد بخش نفت و گاز موجب دور شدن عملکرد اقتصادی از اهداف برنامه می‌شود. به عنوان نمونه، میزان رشد اقتصادی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ برابر صفر خواهد شد که به معنای سال‌های از دست رفته و دور شدن جدی از اهداف سند چشم‌انداز و برنامه پنجم توسعه است. این تنش‌ها مانع از انتقال دانش فنی نیز می‌شود. بنابراین حتی اگر تحریمی در کار نباشد، به این علت، امکان ارتقای ظرفیت جذب و حداکثر کردن میزان رشد با استفاده از منابع تولید در دست و ایجاد تحولات ساختاری معطوف به پایدارسازی و درونزاد کردن این تحولات وجود ندارد. خلاصه کنیم. برنامه ابزاری ضروری جهت هم حداکثرسازی رشد، هم توزیع عادلانه رشد، و هم پایدار کردن رشد از طریق دموکراتیزه و طبیعت‌گرا کردن آن است. استفاده از این ابزار مستلزم پیش‌شرط‌هایی است. نبود آنچه «تو در تویی نهادی» نامیده‌ام، وجود ظرفیت جذب بالا که مستلزم نظام حکمرانی قوی است، دموکراتیزه بودن شیوه تولید و وجود محیط بین‌المللی مناسب، پیش شرط‌های مهم استفاده کارا و اثربخش از ابزار برنامه است. در غیاب این پیش شرط‌ها آنچه رخ می‌دهد و باید رخ دهد تفاوت قابل توجه میان اهداف کلان برنامه‌ها و عملکرد ضعیف‌تر محقق شده است.

تیترهای امروز

سخنگوی قوه قضاییه:

فعلا به وجود زنجانی نیاز است

۶

رجب طیب اردوغان
تور خلیج فارس خود را آغاز کرد

درجست‌وجوی شریکی برای تمام فصول

۱۰

پیگیری یک تخلف میلیاردی

رای دوباره به تفحص از شرکت مس

۳

تنبیه عجیب و خطرناک یک معلم

۱۴

علیرضا منصوریان
داربی تماشایی را برد

جوان‌های آبی شگفت‌انگیز

۱۵

موتور محرکه تحولات انقلاب

«۵۰ سال جنبش دانشجویی در ایران» با سخنرانی ظریفیان خانیکی، شیخ و حجتی

۷

ورود مجلس و شورای امنیت کشور به ساماندهی کولبران

۱۳

کیم جونگ اون
پاسخ ترامپ را داد

موشک قاره پیما در برابر حمایت از ژاپن

۱۱

نوبخت: تامین مالی ۷۳۲ هزار میلیاردی پیش‌بینی شد

خیز برای رشد ۸ درصدی

۴

سرمقاله

روزنامه اعتماد
شورای نویسندگان

فساد بانکی و نیاز به شفافیت

با اطمینان می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران که مورد اتفاق نظرِ عموم کارشناسانِ اقتصادی هم هست، نظام بانکی کشور است. هرچند در دولت جدید و به‌طور مشخص بانک مرکزی کوشیده‌اند که نظم و نسقی به این نظام دهند، ولی همچنان محور یکی از نگرانی‌های مهم اقتصادی، وضعیت بانک‌ها و بدهی‌های وام‌گیرندگان به آن است. ضمن آنکه فشار عجیبی هم برای محدود کردن دریافت خسارت بانک‌ها وارد می‌شود که آنها را خلاف شرع و مصداق ربا می‌دانند. در حالی که مقررات دریافت خسارت بانکی از دو حال خارج نیست. یا مطابق قوانین موجود تنظیم شده و اجرا می‌شود که این قوانین به تایید شورای نگهبان یا هر مراجع ذی‌صلاح دیگری رسیده است و کسی نمی‌تواند حکم به مغایرت آنها با شرع دهد. یا آنکه این دریافت‌ها و مقررات مطابق قانون نیست، که در این صورت افراد ذی‌نفع می‌توانند از طریق مراجع قضایی و دیوان عدالت اداری درخواست صدور حکم ابطال آنها را کنند. در هر دو صورت جایی برای صدور نظراتی فراتر از قانون و غیرشرعی دانستن این دریافت‌ها وجود ندارد و جز آنکه موجب تشویش اذهان و تخریب روابط و نگرش‌ها شود، کار چندانی نمی‌کند.

البته این مساله به نسبت غیرمهم ماجراست. مساله این است که به تقریب بیشتر فسادهایی که در کشور رخ می‌دهند یا در بانک است یا به نحوی مرتبط با نظام بانکی است. ولی مسوولان دولت جدید تاکنون نتوانسته‌اند به‌طور روشن علل و دلایل بروز این مشکل را توضیح دهند. اجازه دهید به‌طور مشخص به مصداق‌ها اشاره شود.

آقای جهانگیری، معاون اول رییس جمهوری اعلام کردند که: «صرف داشتن بدهی بانکی به معنای جرم و فساد نیست. کسانی که به دلیل شرایط اقتصادی کشور با مشکل و بدهی مواجه شده‌اند باید مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند واحدهای تولیدی خود را احیا کنند و در مقابل، باید با کسانی که برای بازپرداخت بدهی خود هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند با جدیت با آنها برخورد کرد و از هر گونه مماشات با این افراد بپرهیزیم.» این نکته کاملا درستی است ولی چرا بدهی به وجود می‌آید؟ طبیعی است مشکلات اقتصادی برای برخی وام‌گیرندگان منشا این تاخیر در تادیه وام است. ولی نکته اینجاست که اگر پولی برای تادیه وام وجود نداشته باشد مسوول آن کیست؟ چگونه ممکن است وامی را پرداخت که به اندازه کافی وثیقه در برابر آن گرفته نشده باشد؟ البته این اتفاق در کشورهای غربی رخ می‌دهد، چون آنان تا حدود ۸۰، ۹۰ درصد وام‌ها را وثیقه از جمله ملک می‌گیرند و کافی است، قیمت ملک به هر دلیلی کم شود، در نتیجه وام‌گیرنده به راحتی از بازپرداخت وام استنکاف می‌کند و بانک می‌ماند با وثیقه‌ای که ارزش آن کمتر از مبلغ وام است و بانک‌ها ورشکست می‌شوند. ولی در ایران که اولا وثیقه تا چند برابر وام هم می‌رسد، به علاوه قیمت ملک به‌طور معمول هیچگاه کاهش جدی پیدا نمی‌کند و همیشه افزایشی بوده است، چگونه می‌شود که وام‌گیرندگان از پرداخت بدهی خود عاجز شوند؟ تنها یک راه می‌ماند و آن که در مسیر اخذ وثیقه و تامین ضمانت برای بازپرداخت وام، تقلب و فساد رخ داده باشد. قضیه وقتی روشن می‌شود که می‌گویند برخی افراد تا ۱۲۰۰ میلیارد تومان بدهی بانکی دارند. ما نمی‌دانیم که این وام را چه کسانی گرفته‌اند، ولی به قیمت سال‌های اخیر این رقم حداقل حدود ۳ تا ۴ میلیارد دلار می‌شده است. کدام شخصی در ایران است که این مبلغ را بتواند وام بگیرد و به اندازه کافی وثیقه تامین کند؟ این مبلغ حتی از وامی که بسیاری از کشورها و شرکت‌های بزرگ می‌گیرند بیشتر است. چگونه یک نفر در ایران ظرفیت جذب چنین مبلغی را برای استفاده در امور تولیدی و خدماتی و صنعتی دارد؟ طبیعی است که مساله مهم‌تر از ناتوانی در بازپرداخت چنین وامی، نحوه دریافت آن است. مگر ممکن است چنین پول بزرگی ردوبدل شود و بانک مرکزی و وزارت دارایی و امثال آن بر جریان نقل و انتقالش نظارت نداشته باشند؟ آیا می‌توان این اطلاع را به مردم داد که گیرنده این وام چقدر سرمایه دارد و چقدر درآمد داشته؟

ادامه در صفحه ۰۴

نگاه حقوقی

نعمت احمدی
حقوقدان

ساختار حقوقی محاکم قضایی امریکا

با تعلیق دستور اجرایی رییس جمهور امریکا به وسیله قضات این کشور این سوال بین جامعه حقوقی مطرح شده است که ساختار قضایی امریکا چگونه است که می‌تواند حکم حکومتی رییس جمهور را معلق یا ابطال کند. رییس جمهور امریکا از قدرت اجرایی بالایی برخوردار است تا جایی که می‌تواند برای اداره امور کشور راسا فرمان اجرایی صادر کند و این فرامین در حکم قانون هستند مگر اینکه در پی شکایت افراد یا نهادهایی که به فرمان رییس جمهور اعتراض دارند به دادگاه شکایت ببرند یا اینکه با دو سوم آرای نمایندگان مجلس و سنا که کنگره نامیده می‌شود فرمان رییس جمهور بلااثر بشود. در نوشته حاضر ساختار قضایی امریکا به اختصار تعریف می‌شود:

... در امریکا نیز همانند دیگر کشورهایی که اصل تفکیک قوا در آنان پذیرفته شده سه قوه مستقل از یکدیگر هستند مگر آنکه تصمیمات هریک از قوا بر دو قوه دیگر اثربگذارد یا در تضاد قرار گیرد. از طرفی در امریکا ترکیب قوا به گونه‌ای تعریف شده است که هریک از سه قوه قادر هستند یکدیگر را کنترل کرده و مانع از دخالت قوا در یکدیگر شوند. در امریکا در هر سه قوه در سطح ایالتی و فدرال، دستگاه قضایی و اجرایی و تقنینی حضور دارند، به دیگر سخن هر ایالت به عنوان یک –ایالت– هم دستگاه قضایی، هم اجرایی و هم قوه مقننه دارد و به همین اعتبار است که هر ایالت فرماندار مستقلی دارد و مجلس محلی و دادگاه ایالتی. در ادبیات سیاسی وقتی صحبت از ارکان حکومتی امریکا می‌شود، منظور دولت امریکا در سطح فدرال است که رییس جمهور امریکا ساکن کاخ سفید در شهر واشنگتن دی سی است و قوه مقننه دولت فدرال - دارای مجلس سنا، مجلس نمایندگان که جمع دو مجلس ترکیب کنگره امریکا را تشکیل می‌دهد.

اما قوه قضاییه امریکا که بسیار قدرتمند است در راس آن دیوان عالی کشور امریکا قرار دارد که دارای ۹ قاضی است، قضات دیوان عالی کشور را رییس جمهور انتخاب می‌کند و باید این انتخاب به تایید کنگره امریکا برسد. یکی از ۹ قاضی دیوان عالی کشور به تایید کنگره به ریاست دیوان عالی کشور انتخاب می‌شود، این فرد همان کسی است که سوگند ریاست جمهوری در حضور او انجام می‌شود. البته در تصمیم‌گیری قضایی رای رییس دیوانعالی کشور با دیگر قضات مساوی است. انتخاب این قضات، مادام‌العمر است و یکی از امتیازات مهم رییس جمهور تعیین پست خالی روسای دیوان عالی کشور است که یا استعفا داده باشند یا فوت شده باشند.

ادامه در صفحه ۱۴

نگاه دیپلماسی

متین مسلم
تحلیلگر روابط بین‌الملل

ترمینولوژی دیپلماسی بریتانیا در خاورمیانه

بنیامین ناتانیاهو از یک سیاستمدار سرشکسته و بی‌اعتبار نزد افکار عمومی چیزی کم ندارد. از نشان دادن کاریکاتوری مضحک از برنامه هسته‌ای ایران در سازمان ملل گرفته تا اعلام هفتگی ۱۲ سال اخیر که «ایران تا ۳ ماه آینده بمب اتم خواهد ساخت!!»؛ از فساد روز افزون و اخذ رشوه گرفته تا اخیرا که همچون یک کولی سرخورده و معطل مانده پشت در دفتر نخست‌وزیر بریتانیا که خواهش می‌کرد «خانم می لطفا در را باز کنید!»؛ همگی از او چهره یک شکسته خورده تمام‌عیار سیاسی و اخلاقی را به نمایش گذاشت. تحقیری به تمام معنا که حقش بود! اقدام دفتر خانم «می» تعمدی بوده یا نه!؟ این را هنوز نمی‌دانیم. اما تا آنجا که به ناتانیاهو و اهداف ضد ایرانی‌اش این برخورد باید او را متوجه می‌کرد، هوا در لندن مساعد نیست. سخنگوی دفتر نخست‌وزیری بریتانیا هنگام حضور ناتانیاهو در لندن به صراحت بر حمایت از توافق هسته‌ای با ایران تاکید کرد.» اما این سوال به طور جدی مطرح است آیا ناتانیاهو واقعا از موضع خانم «می» در رابطه با ایران و توافق هسته‌ای این کشور بی‌خبر بود؟ مسلما پاسخ منفی نیست. او از مواضع خانم نخست‌وزیر در دیدار اواخر ماه ژانویه با آقای ترامپ و اندکی قبل‌تر در دسامبر سال گذشته در دیدار با سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس آگاه بود. اما او به حسب عادت، از درون موج‌آفرینی و جنجال علیه ایران بیشتر به دنبال تحقق اهداف ضد فلسطینی خود به ویژه در مورد شهرک‌سازی‌ها در اراضی اشغالی، موضوع بیت‌المقدس شرقی و صلح با فلسطینیان بود. اما به صورت مستقل و از زاویه بریتانیایی موضوع ایران، اگر حمایت نخست‌وزیری می‌ارجام درست باشد که احتمالا این گونه است، باید متوجه این نکته هم باشیم که پرونده هسته‌ای ایران در درون خود حاوی مفادی است که محدود به برنامه هسته‌ای ایران نیست و فهرستی جامع از همکاری‌های فنی-اقتصادی-تجاری و مالی را شامل می‌شود. فهرستی مورد توجه و اهمیت برای لندن و بسیاری پایتخت‌های اروپایی و ناراحتی و خشم برای تل‌آویو. از زاویه‌ای فراتر، اما حمایت مشترک بریتانیا و پایتخت‌های اروپایی از توافق هسته‌ای که بالقوه می‌تواند زمینه متزلزل شدن این توافق توسط ایالات متحده را با مشکل روبه‌رو کند، ممکن است علل دیگری هم داشته باشد. به باور برخی تحلیلگران سیاسی و امور امنیتی نگرانی از تداوم بحران در خاورمیانه عربی و خلیج‌فارس و نیز موضوع ثبات استراتژیک و ...

ادامه در صفحه ۰۳